

# کیفیت بخشی به نظام آموزشی

## چرا و چگونه؟

تعلیم و تربیت اصلی ترین عامل توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هر کشوری است. تعلیم و تربیت رسمی در هر کشور، زمینه های رشد و پرورش نیروی انسانی ماهر و کارآمد برای پیشبرد مقاصد آن اجتماع را فراهم می کند. مدرسه تکیه گاه اجتماعی و پایگاهی برای رشد و یادگیری دانش آموزان است و یادگیری فرایندی پویاست که طی آن یادگیرنده به ساخت دانش، بینش، نگرش و منش و شخصیت خود می پردازد. این فرایند هنگامی با موفقیت فرین می شود که از کیفیت لازم برخوردار باشد. فراهم کننده کیفیت همان پایگاه یا تکیه گاه اجتماعی یعنی مدرسه است که مسئولیت آموزش های رسمی را بر عهده گرفته است. اساس آموزش و یادگیری، بر نحوه آرایش مدرسه از چگونگی اجرای محتوا، روش، رویکرد و راهبردهای مورد نظر در برنامه های درسی استوار است و چگونگی آرایش یا نظام دهی بایسته ها و شایسته ها توسط مدیر و معلمان هر مدرسه بستر لازم برای آموزش و یادگیری با کیفیت را فراهم می کند. هر گاه در مدرسه بهبود کیفیت امور محور قرار گیرد، محیطی بانشاط و پر از شور و شوق برای یاددهی و یادگیری به وجود می آید که همگان را به کوشش و تلاش لازم در جهت تحقق هدف های مورد نظر در هر برنامه درسی و می دارد. کیفیت بخشی در واقع نوعی راهبرد مؤثر و کارآمد در مدیریت نظام یاددهی - یادگیری است. نبود توفیق کامل در تحقق هدف های آموزشی و تربیتی از چند عامل ناشی می شود:

عامل اول محیط یادگیری است؛ وقتی که شرایط، امکانات و فرصت های مناسب یاددهی را برای معلمان و تدارکات لازم یادگیری را برای دانش آموزان فراهم نمی کند. فراهم آوری محیط مناسب و مطلوب برای هر دو گروه کار اساسی مدرسه است و مدیریت مدرسه در نظام دهی به آن نقش اساسی دارد. برنامه کیفیت بخشی به مدرسه حاصل برنامه ریزی درست و مناسب از جانب سامان دهندگان امور آموزشی و تربیتی است.

عامل دوم در موفق نبودن هدف های مورد نظر، یادگیرنده است که یا انگیزه و رغبتی برای یادگیری ندارد یا به درجه لازم آمادگی در عرصه ویژه های آموزش و یادگیری نرسیده است و یا به نوعی در درک مطلب مورد یادگیری ضعیف است. بالاخره، عامل سوم در این توفیق نیافتن، یاددهنده یعنی معلمی است که یا علاقه و رغبت کار معلمی در او ضعیف است، یا میزان آگاهی و دانش او از موضوع مورد آموزش کافی نیست یا در انتخاب راه و روش های مناسب یاددهی و یادگیری ناتوان است و یا آنکه در کل شخصیت و منش معلمی او به اندازه کافی رشد نیافته است. مدیر مدرسه نیز به عنوان یک معلم از مجموعه گروه مسئول تعلیم و تربیت دانش آموزان، مشمول همین بند سوم می شود.

در یک جمع بندی می توان گفت، آموزشی با کیفیت، مؤثر و پایدار است و به یادگیری کارآمد و پویا منجر می شود که در محیطی با شرایط مناسب عمل (برای یاددهی و یادگیری)، با دانش آموزانی مشتاق و علاقه مند به یادگیری و معلمانی پرانگیزه و تلاش گر برای جست و جوی بهترین راه و روش های یاددهی شکل بگیرد. اما برای ایجاد محیطی چنین باید برنامه داشت و برای داشتن برنامه مناسب، باید درست برنامه ریزی کرد. مسئولیت برنامه ریزی برای کیفیت بخشی، در عین حال که بر دوش مدیر یا گروه مدیریتی مدرسه وا گذاشته شده است، از مسئولیت و تعهد معلمان در کلاس درس و در محیط کوچک تر کلاسی خود نمی کاهد.

هر یک از معلمان در کلاس درس خود باید برنامه ای خاص را برای کیفیت بخشی امور یاددهی مرتبط با کار خود و کیفیت بخشی امور یادگیری مرتبط با دانش آموزان کلاس، با توجه به موضوع خاص مورد آموزش، مورد توجه قرار دهند. به علاوه، دانش آموزان نیز باید برای یادگیری با کیفیت خود برنامه داشته باشند و بر اساس برنامه ریزی درست، که آن را تحت هدایت معلم یاد گرفته اند، به موقع و به نحو کارآمد مسئولیت یادگیری شان را بر عهده گیرند. نکته قابل توجه اینکه تمام این مهم در تمام جهات باید به صورت منسجم، هماهنگ و هم سو با هدف های غایی تعلیم و تربیت به عمل در آید و با تمرین و تکرار و تقویت ملکه ذهن همگان شود.

امروزه، باور جهانی بر این است که ضعیف بودن کیفیت نظام آموزشی، تمام کوشش ها و تلاش ها و نیز آرمان های توسعه اقتصادی و رشد فرهنگی را زیر سؤال می برد. از این رو لازمه دستیابی به هر گونه رشد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و فرهنگی کیفیت بخشی به امور آموزشی و پرورشی است.

کیفیت‌بخشی امور آموزشی و پرورشی گام‌های متعدد دارد:

اولین گام در کیفیت‌بخشی همه‌ امور تعلیم و تربیتی، در صحنه کلاس درس و مدرسه، کسب نگرش مثبت نسبت به یادگیری و درک اثر مثبت آن و پیشرفت مداوم در صحنه زندگی است. طرز تلقی هر فرد از «یادگیری» اعم از دانش آموز، معلم و مدیر آموزشی زمینه‌ساز کوشش‌ها و تلاش‌های او در جهت یادگیری معنادار، اثربخش، پایدار و پویاست.

گام دوم کسب اطلاعات، دانش، بینش و نگرش و ارزش مورد نظر در هر برنامه درسی خاص و آراستن فکر به همه‌ لازمه‌های مورد انتظار برنامه درسی است. در این گام «یادگیری معنادار» که محصول ادراک درست قضایا، تحلیل و ترکیب بجای آموخته‌ها، کاربرد درست و به موقع، رسیدن به قضاوت و ارزیابی درست از وقایع در دسترس (کتاب و سایر منابع آموزشی) و تولید و ساخت دانش نو در ذهن بر مبنای نقد همه‌ آموخته‌هاست، نقطه عطف کیفیت‌بخشی است.

گام سوم، گسترش و پالایش دانش آموخته شده در ذهن و درونی‌سازی یادگیری برای استفاده نامحدود از آن دانش در موقعیت‌های جدید است. لازمه گسترش و پالایش، مطالعه مستمر و بهره‌گیری از دانش علمی روز است.

گام چهارم، کاربرد معنادار دانش کسب شده در موقعیت‌های پیش روی زندگی اجتماعی است. به عبارت دیگر، کسب مهارت در استفاده از آموخته‌ها به هنگام مواجهه با مسائل روزمره زندگی و ارائه راه‌حل مناسب بنابر پیش آموخته‌هاست.

و گام پنجم، ملکه ذهن شدن آموخته‌ها به نحوی است که در مواجهه با مسائل زندگی اجتماعی با بهره‌گیری از «عادت‌های ذهنی» ایجاد شده، خود به خود به خوبی از عهده رتق و فتق امور جاری پر مسئله زندگی اجتماعی برآید.

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت، آموزش باکیفیت با طی گام‌های اساسی، نهایتاً افرادی مطلع، متفکر، تحلیل‌گر، نقاد و خلاق و ماهر در امور مدیریتی از هر نوع و در هر سطح و قادر به مسئولیت‌پذیری برای انجام امور در رده‌های گوناگون شغلی، در عین حال مقید به رعایت هنجارها و ارزش‌ها و اخلاق اجتماعی با هویت ایرانی-اسلامی و آماده و پرتانگیزه برای روبه‌رویی با چالش‌های پیش‌رو در زندگی اجتماعی را پرورش می‌دهد؛ افرادی که با توجه به انفجار اطلاعات و دانش جهانی و انتظارات زندگی در فضای قرن بیست‌ویکمی بتوانند به بهترین وجه ممکن به انتخاب‌های درست دست بزنند.

کیفیت‌بخشی ابعاد گوناگونی هم دارد:

از بُعد مدیریت آموزشی، کیفیت‌بخشی یعنی فراهم کردن زمینه:

۱) دسترسی همه دانش‌آموزان به موفقیت در سطح توانایی خود؛

۲) فرصت‌های برابر آموزشی برای انواع توانمندی‌های دانش‌آموزی (عادی، کم‌توان ذهنی و دارای استعداد درخشان)، اعم از شهری و روستایی؛

۳) ارائه برنامه‌های درسی مطلوب و متناسب با سن و سطح تحصیلی؛

۴) اجرای برنامه به نحو اثربخش، اثرگذار و هدایت‌گر؛

۵) رعایت استانداردهای قابل قبول جهانی و معیارها، هنجارها و ارزش‌های ملی-مذهبی؛

۶) کسب هویت فردی، اجتماعی، فرهنگی و دینی

از بُعد مدیریت اداری، مفهوم کیفیت‌بخشی امور آموزشی و پرورشی دستخوش تغییراتی شده است:

امروزه، دنیا نسبت به سال‌های گذشته، برای مسئولیت‌پذیری امر تعلیم و تربیت گستره بسیار وسیع‌تری پیش‌رو قرار داده است. در جهان امروزی در بسیاری از کشورها فقط نهادهای با عنوان وزارت آموزش و پرورش مسئول سامان‌دهی امر تعلیم و تربیت نیست، بلکه سایر نهادها، وزارتخانه‌ها، انجمن‌ها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی، مشاغل و حرفه‌ها، صنعت و رسانه‌های گوناگون از جمله رادیو و تلویزیون، در کیفیت‌بخشی امور آموزش و پرورش نقش و سهم دارند. بنابراین، سطح برنامه‌ریزی کیفیت‌بخشی باید به پهنای همه نهادهای مسئول و اثرگذار دولتی، اداری، غیراداری و غیردولتی گسترده شود و یا حداقل استانداردها و چارچوب‌ها و معیارهایی مشخص ملاک برنامه‌ریزی و اجرای همه امور آموزشی و فرهنگی قرار گیرد.

از بُعد رویه‌ای نیز کیفیت‌بخشی در نظام‌های آموزشی تغییرات مفهومی و معیاری داشته است:

در گذشته، معیار کیفیت در آموزش و پرورش غالباً به حوزه آموزش محدود می‌شد که نتایج آن به‌طور ملموس قابل اندازه‌گیری بود. میزان یا درصد قبولی و گذار از یک دوره به دوره دیگر، که از نتایج سنجش پیشرفت تحصیلی در سطوح و دوره‌های متفاوت تحصیلی به دست می‌آمد، نشانگر درجه کیفیت محسوب می‌شد و قضاوت‌ها و تصمیمات بر همان مبنا اتخاذ می‌شد.

کیفیت‌بخشی به نظام تعلیم و تربیت، ابعاد دیگری چون محتوای آموزش، فرایند آموزش، منابع و تجهیزات، چگونگی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی و معیار گزینشی برای مراحل گوناگون سنجش و... را هم شامل می‌شود که در این نوشتار نمی‌گنجد و جای بحث دیگری دارد.